**نام مقاله: توليد دانش بومي:كتاب درسي مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان**

**نام نشريه: فصلنامه كتابداري و اطلاع رساني (اين نشريه در www.isc.gov.ir نمايه مي شود)**

**شماره نشريه: 31 \_ شماره سوم، جلد 8**

**پديدآور: محمد حسين دياني**

**مترجم:**

**چكيده**

**درس مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان تنها درس از درس‌هاي دورة كارشناسي كتابداري است كه كتابي مناسب و قابل كاربرد از زبان انگليسي يا زبان ديگر، براي آن ترجمه نشده است. در طي سال‌هايي كه اين درس تدريس مي‌شده است مباحث مربوط به آموزش بزرگسالان بخشي قابل توجه از كلاس را به خود اختصاص مي‌داده است. مدرسان اين درس، با آگاهي از كمبود مطالب در اين حوزه هر يك به سهم خود در پي توليد مطالبي بوده‌اند كه با فلسفة وجودي اين درس سازگار باشد. در اين مسير شش كتاب توسط مدرسان متفاوت اين درس نگاشته شده است. گرچه مشتركاتي در اين كتاب‌ها وجود دارد، امّا هر يك، بخشي متمايز از ديگر كتاب‌ها را در خود جاي داده است كه متكي بر تحقيقات يا انديشه‌هاي داخلي است. با گذشت زمان اين امكان فراهم شده است كه با بهره‌گيري از بخش‌هاي متمايز اين كتاب‌ها، محتوايي قابل توجيه براي اين درس در اختيار مدرسان اين درس قرار گيرد، محتوايي كه بيش از ساير كتاب‌هاي دروس كتابداري به دانش بومي متكي است.**

**كليدواژه‌ها: نوسوادان، كتابخانه و نوسوادان.**

**از هنگامي كه درس مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان در برنامة درسي دورة كارشناسي كتابداري گنجانيده شده، محتوايي كه بايد براي اين درس، برگزيده و در كلاس ارائه شود با ابهامات بسياري مواجه بوده است. براي اين درس برخلاف درس‌هاي ديگر، متني از قبل آماده به زبان غيرفارسي وجود نداشت تا متن اصلي يا ترجمة آن براي تدريس مورد استفاده قرار گيرد. بر اين اساس مدرسان اين درس مجبور بودند كه خود در متون غربي ـ و بيشتر در متون فارسي ـ به دنبال مطالبي بگردند كه مي‌توانست در اين درس مورد استفاده باشد. وجود حداقل شش كتاب متفاوت براي اين درس در سال 1384، هم نشانگر عدم توافق بر روي محتواي هر تك كتاب، و هم نشانگر يك نمونه از شيوة توليد دانش بومي در سطح كشور است. هدف اين نوشته تعريف يا بدگويي نيست، بلكه نشان‌دادن چگونگي سهيم‌شدن افراد متفاوت در شكل‌دهي به محتواي درسي است كه الگوي ازقبل آماده‌اي براي آن وجود نداشته و بالاجبار، تمامي آن در ايران و توسط مدرسان متفاوت اين درس شكل گرفته است.**

**قبل از اين‌ كه كتابي مشخص براي اين درس نوشته شود، بيشتر مدرسان اين درس بخش‌هايي از كتاب «زهرا صباغيان» با عنوان «روش‌هاي سواد‌آموزي بزرگسالان» را در كلاس‌هاي اين درس تدريس مي‌كردند. نگاهي به فهرست مندرجات اين كتاب كه در زير آمده است، آشكار مي‌سازد كه فلسفة وجودي اين كتاب پرداختن به فلسفه، عملكردها و تجارب مربوط به آموزش سواد در جهان و ايران است و نمي‌تواند كتاب مناسبي براي تدريس درس مواد و خدمات كتابخانه به نوسوادان باشد.**

**فهرست مندرجات كتاب «روش‌هاي سوادآموزي بزرگسالان»**

**آموزش بزرگسالان، پديدة حياتي قرن ما**

**خصوصيات بزرگسالان و تفاوت آموزش آن‌ها با خردسالان**

**روش‌هاي تعليم مهارت خواندن و نوشتن**

**سوادآموزي با تكيه بر ابعاد عملي خواندن و نوشتن**

**نقش و رسالت دولت در پيشبرد اهداف سواد‌آموزي بزرگسالان**

**در عين حال آن بخش از كتاب كه دو مكتب مهم سواد‌آموزي (به نام‌هاي «سواد‌آموزي تابعي» و «سواد‌آموزي با تأكيد بر ابعاد اجتماعي») را به بحث مي‌گذارد، هم نوع نگاهي را كه به فعاليت‌هاي مربوط به نوسوادان بايد داشت و هم نوع منابع خواندني را كه كتابخانه‌ها مي‌توانند براي نوسوادان تهيه كنند مشخص مي‌ساخت. اهميت اين مورد بويژه با دسترسي به تعدادي از منابع چاپي كه در هنگام اجراي طرح «سواد‌آموزي تابعي» در دزفول توليد شده و نسخه‌هايي از آن در برخي نقاط ايران در دسترس بود، آشكار شد؛ چرا كه اين نمونه‌ها از سه ويژگي برخوردار بودند: داراي پشتوانة نظري بودند، مناسب با توان فهميدن و خواندن نوسوادان تهيه شده بودند، مشخصات ظاهري كتاب‌هاي خاص نوسوادان را دارا بودند.**

**بحث جدّي‌تري كه مي‌بايد به آن توجه مي‌شد اين بود كه جمعيت نوسواد، چه درصدي از كل جمعيت ايران را به خود اختصاص مي‌دهد و كيفيت سوادي كه اين افراد دارند توجيهي اجتماعي/ اقتصادي براي ارائة اين درس فراهم مي‌آورد. تركيبي از سه گروه آمار، كميّت نوسوادان را آشكار مي‌ساخت. اين آمارها عبارت بودند از آمارهاي بيسوادان، آمارهاي بيسواداني كه در كلاس‌هاي سواد‌آموزي (با عناوين متفاوت) شركت مي‌كردند، و آمارهاي بازگشت به بيسوادي پس از طي دوره‌هاي سواد‌آموزي.**

**آمارهايي كه دربارة بيسوادان منتشر مي‌شد، بيانگر دوام پديدة بيسوادي است. به عنوان مثال در سال 1353 دوازده ميليون نفر از جمعيت ايران بيسواد گزارش شدند. در سال 1361 گزارش شد كه در حدود 5/15 ميليون نفر از جمعيت 7 سال به بالاي كشور بيسواد مي‌باشند. در سال 1379 گزارش شد كه نه ميليون بيسواد در كشور وجود دارد.**

**آمارهاي مربوط به شركت‌كنندگان در كلاس‌هاي سواد‌آموزي بخش ديگري از واقعيت مربوط به نوسوادان را آشكار مي‌ساخت. مثلاً گزارش شده است كه بين سال‌هاي 1361 تا 1366 جمعاً 596‚786‚5 نفر در كلاس‌هاي نهضت سوادآموزي ثبت نام كردند كه از اين تعداد 5/82 درصد يا ترك تحصيل كردند يا مردود شدند. از ثبت‌نام‌كنندگان دورة دوم نهضت نيز 2/67 درصد يا ترك تحصيل كردند يا مردود شدند. بررسي «منيژه صبي» آشكار ساخت كه از هر 100 نفر كه به كلاس‌هاي سوادآموزي مي‌روند تنها 24درصد موفق به اتمام دورة دوم مي‌شوند. آمارهاي مربوط به سال‌هاي 60 تا 73 نيز نشان مي‌دهد كه در اين سال‌ها حدود 54 درصد از شركت‌‌كنندگان در كلاس‌هاي نهضت، به دورة دوم راه يافتند و بقيه با همان اندوختة كم از خواندن، نوشتن و حساب‌كردن، كلاس‌هاي نهضت را ترك كردند.**

**آمارهاي گروه سوم مربوط به پديدة بازگشت به بيسوادي است. آنگونه كه «زهره ميرحسيني» براساس تحقيقات ديگران گزارش كرده است، مطالب آموخته‌شده در كلاس‌هاي سوادآموزي، به دليل عدم تداوم خواندن و يادگيري، پس از دو سال از اتمام تحصيل در دروس مختلف فراموش شده است. نوسوادان شهر اصفهان دو سال پس از فراغت از تحصيل، 9 تا 47 درصد مطالب را فراموش كرده بودند. نوسوادان رودبار قطران و لواسانات، هشت ماه پس از فراغت از تحصيل در مقطع مقدماتي، مطالب آموخته‌شده را 23 درصد تا 73 درصد فراموش كرده بودند. در مقطع تكميلي نيز 64 درصد تا 67 درصد دچار فراموشي شده بودند. تحقيق «رضايي ملايري» نشان مي‌دهد كه حدود 7/46 درصد از سوادآموزان در نهضت، در آستانة بيسوادي هستند و بر اين اساس حدود 5/36 ميليارد از بودجة كشور عملاً از بين رفته است.**

**تركيبي از اين سه گروه آمار در عين اين‌كه واقعيات دردناكي را به نمايش مي‌گذارد، توجيهي كاملاً قابل دفاع براي پرداختن گروه‌هاي كتابداري و كتابخانه‌هاي عمومي به خدمات براي نوسوادان كه جمعيتي كاملاً قابل توجه هستند، فراهم مي‌آورد.**

**نكتة قابل توجه ديگر در اين راستا، تعريفي است كه از جمعيت باسواد در كشور ارائه مي‌شود. سه تعريف رايج در كشور به شرح زير است:**

**- آن‌ها كه كلاس اول ابتدايي را به اتمام رسانده‌اند (مركز آمار ايران)،**

**- آن‌ها كه كلاس چهارم ابتدايي را به اتمام رسانده‌اند،**

**- آن ها كه دو دوره (هريك شش ماه) كلاس‌هاي مبارزه با بيسوادي (نهضت سوادآموزي) را با موفقيت به پايان رسانده‌اند.**

**پذيرش هريك از اين تعاريف، درصد باسوادي در ايران را بالا يا پايين مي‌آورد، اما به هر حال يك نكته را آشكار مي‌سازد و آن اين است كه اين مقدار سواد، سوادي نيست كه پاسخگوي نيازهاي روزمرة انسان امروزي باشد. اين دوره‌ها سنگ بناي اوليه‌اي هستند كه تنها با تداوم خواندن و يادگيري بيشتر، دوام مي‌آورند و بر سودمندي آن‌ها افزوده مي‌شود.**

**اما كيفيت سواد نوسوادان، همسان با كيفيت سواد بزرگسالان باسواد نيست كه منابع چاپي مناسب آن‌ها، براي اين‌ها نيز قابل استفاده باشد. نيز توان درك و علائق بزرگسالان كم‌سواد با توان درك و علائق كودكان همسان نيست كه منابع چاپي آن‌ها براي اين‌ها نيز قابل استفاده باشد؛ از اين‌رو بايد دريافت كه چه نوع منابعي مناسب نوسوادان است. گرچه در دوران اجراي برنامة سواد‌آموزي در دزفول چندين كتاب مناسب براي نوسوادان نوشته و منتشر شده بود، اما مقالة «هماتاج بازيار» (1353) با عنوان «تهية مواد خواندني براي بزرگسالان كم‌سواد» احتمالاً قديمي‌ترين مقاله‌اي است كه اطلاعات سازمان‌يافته و سودمندي دربارة ويژگي‌هاي كتاب‌هاي مناسب نوسوادان در اختيار كتابداران مجموعه‌ساز براي نوسوادان قرار مي‌دهد.**

**خلاصة مطلب اين كه، كتاب «صباغيان» فلسفة نظري نسبتاً مناسبي براي نگاه به انسان باسواد پيش روي كتابداران قرار مي‌داد؛ آمار بيسوادان، سوادآموزان و بازگشته به بيسوادي، كميت و كيفيت مخاطبان را مشخص مي‌ساخت؛ و مقالة «بازيار» ايده‌هاي اصلي براي تهية مواد خواندني براي بزرگسالان را مطرح مي‌كرد. خانم «صباغيان» به لحاظ تربيتي، ايدة نوع انساني را كه در اين دوران مدنظر است مطرح ساخت؛ آمارها نيز با بيان واقعيت چشم‌گير تعداد كم‌سوادان و واقعيت دردناك بازگشت به بيسوادي، زمينة اجتماعي و اقتصادي بسيار مناسبي براي فلسفة درس «مواد و خدمات كتابخانه‌ براي نوسوادان» فراهم آورد و مشخص ساخت كه تعداد نوسوادان آنقدر زياد و كيفيت سواد آن‌ها آنقدرپايين مي‌باشد كه توجيه كافي براي ارائة خدمت به آن‌ها در كتابخانه‌هاي عمومي فراهم مي‌باشد.**

**به يقين كساني كه اين درس را در برنامه گنجانيده بودند به اين نكته توجه داشتند كه مجموعه‌سازي يكي از اركان اصلي رشتة كتابداري و اطلا‌ع‌رساني است و كتابداران موظف هستند كه مجموعه‌ها را براي انسان‌هايي با دانش‌ها و توانايي‌هاي متفاوت بسازند. اين انسان‌ها براي كتابخانه‌هاي عمومي بزرگسالان باسواد، كودكان و نوجوانان و نوسوادان هستند. بنابراين مباحث مطرح در درس‌هاي مجموعه‌سازي ضمن توجه به خصوصيات كاملاً متفاوت اين سه گروه، ساخت مجموعه‌اي متناسب با نيازهاي آن‌ها را مورد توجه قرار مي‌دهد. بنابراين، درس «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» نيز بايد با همان چهار‌چوب‌هاي درس «مجموعه‌سازي براي بزرگسالان» و درس «مواد و خدمات كتابخانه براي كودكان و نوجوانان»، اما با محتواي ويژة بزرگسالان ارائه شود. نبود كتابي مناسب در اين مورد مشكلي بود كه 10 سال به طول انجاميد تا اين كه كتاب «كتابخانه‌ها و سواد‌آموزي» نوشته «دبرا ويلكاكس جانسون» با همكاري «جنيفر ا. سول» و ترجمة «رحمت‌الله فتاحي» در سال 1373 منتشر شد.**

**اين كتاب تا اندازه‌اي جاي خالي يك كتاب مناسب براي اين درس را پر مي‌كرد، اما چون نگاه كلي كه بر كل محتواي اين كتاب سايه انداخته اين است كه كتابخانه، يكي از سازمان‌هاي آمريكايي است كه موازي با ديگر سازمان‌ها، مسئوليت سواد‌آموزي به بيسوادان را بر عهده دارد و اين موردي است كه در ايران رواج ندارد، نمي‌توانست دربست به كلاس ارائه شود. تحت اين نگاه كلي، در سراسر كتاب بر خدمات سوادآموزي تأكيد شده و مطالب مربوط به مجموعه مواد و منابع، امكانات و تجهيزات و تبليغات و… همه براي پشتيباني از برنامه‌هاي سوادآموزي است. در عين حال برخي از مندرجات كتاب، اطلاعات بسيار سودمندي دربارة نوع مجموعه و خدمات ويژة سوادآموزان و نوسوادان ارائه مي‌دهد، اما كل مباحث كتاب در قالب كتاب درسي ارائه نشده و مطالب سودمند آن نيز حتماً بايد توسط مدرس، استخراج و به دانشجويان ارائه شود. حتي اگر چنين نشود و بر تدريس كل محتواي اين كتاب تأكيد گردد، كل محتوا بيش از يك چهارم زمان در اختيار براي اين درس دو واحدي را پوشش نمي‌‌دهد. در چنين شرايطي، احتمالاً همراه با متن اين كتاب، محتواي مقالاتي كه مي‌توانسته مورد استفادة كلاس باشد به دانشجويان ارائه مي‌شده يا با تعيين تكليف براي دانشجويان، پوشش مطلوب‌تري به زمان در اختيار، داده مي‌شده است. خود من همراه با بخش‌هاي مربوط اين كتاب، مباحثي همچون آمار نوسوادان، بازگشت به بيسوادي، و ويژگي‌هاي آثاري را كه براي نوسوادان بايد منتشر شود به محتواي درس مي‌افزودم.**

**بدين ترتيب آهسته آهسته چهار بخش از محتوايي كه مي‌توانست براي درس مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان مطرح باشد، مشخص مي‌شد. اين چهار بخش از محتوا همان‌هايي هستند كه لابه‌لاي مطالب بالا به آن‌ها اشاره شد و در اينجا به صراحت، اما فشرده تكرار مي‌شوند:**

**1. زمينة نظري كه در قالب مكاتب سواد‌آموزي به آن پرداخته مي‌شود.**

**2. وجود مخاطبان كافي، و نياز دانسته يا ندانستة آن‌ها به منابع مناسب كه با ارائة آمارهاي بيسوادان، نوسوادان وبازگشت به بيسوادي، مطرح و باورپذير مي‌شود.**

**3. خدمات كتابخانه در پيوند با نوسوادان كه با گزينش مطالب مندرج در كتاب «كتابخانه‌ها و سوادآموزي» به دست مي‌آيد.**

**4. ويژگي‌هاي منابع مناسب كه از نكات مندرج در مقالة «تهية مواد خواندني براي بزرگسالان كم‌سواد (از «هماتاج بازيار») استخراج مي‌گردد.**

**نكات اصلي اين چهار مورد در كتاب «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» كه در سال 1380 منتشر شد، به گونه پرسش و پاسخ ارائه شد. در مقدمه آمده است كه مطالب مطرح در اين كتاب را مي‌توان به عنوان چهار‌چوب قابل گسترش براي تدريس در كلاس‌هاي «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» نيز مورد توجه قرار داد. در اين كتاب دو مبحث متفاوت از چهار مورد بالا، به بحث‌هاي مربوط به مواد و خدمات كتابخانه‌ براي نوسوادان اضافه شده است‌كه عبارت‌اند از: 1) معيار‌هاي كمّي سنجش خوانايي نوشته‌ها و معيارهاي كمّي نوشتن براي نوسوادان، 2) مقدمه‌اي بر كنكاش براي دستيابي به واژگان پايه براي نوسوادان.**

**زمينة اصلي كه به مورد اول شكل بخشيد اين واقعيت بود كه در دهة 60 و 70 در زبان فارسي، جز در موارد بسيار محدود و شايد انگشت‌شمار، نوشته‌اي كه مناسب نوسوادان باشد وجود نداشت و در آن صورت آن بخش از درس كه به مواد و منابع مربوط است، بي‌پشتوانه باقي مانده بود. در چنان شرايطي هر عقل سليمي حكم مي‌كرد كه اين نبود يا كمبود شديد منابع از طريق جستجو در نوشته‌هاي موجود برطرف شود؛ يعني آثار موجود مورد بررسي قرار گيرند و مواردي از آن‌ها كه به لحاظ محتوا و به لحاظ نگارشي ممكن است براي نوسوادان سودمند باشند، شناسايي و به مجموعه اضافه شوند. مشخص بود اين گونه انتخاب مواد و منابع، كاري نسبتاً كيفي است و نمي‌توان از هر كتابداري متوقع بود كه خود مستقلاً به آن بپردازد. پيگيري‌ها براي يافتن راه حل، مشخص كرد كه اين بحث به شيوه‌اي ديگر در ادبيات زبان انگليسي و تحت عنوان سطح خوانايي[2] مورد توجه است. نيز مشخص شد كه تعدادي فرمول كه نگاه كمّي به سطح خوانايي دارند وجود دارد. پرسشي كه در اين مرحله به ذهن رسيد اين بود كه آيا مي‌توان از اين فرمول‌ها براي تعيين سطح خوانايي نوشته‌هاي فارسي نيز استفاده كرد؟ گزارش تحقيقي كه در اين مورد به عمل آمد در نشرية علوم تربيتي ويژة كتابداري، منتشر شد[3]. در آن گزارش نشان داده شد كه با تغييراتي اندك در دو فرمول از فرمول‌هاي مورد بررسي، اين امكان وجود دارد كه به واقعيات آثار فارسي نوشته، نزديك شويم. در پي اين تحقيق 7 تحقيق ديگر در همين زمينه با همين فرمول‌ها انجام شد كه در برخي، فرمول‌ها مناسب و در برخي، نامناسب تشخيص داده شدند. گزارش اين تحقيق‌ها در كتاب «سنجش‌ خوانايي نوشته‌هاي فارسي» ارائه شده است[4]. يادآوري مي‌شود كه عناصر متشكلة اين فرمول‌ها داده‌هاي مربوط به تعداد هجاها، طول كلمات، طول جملات، و تعدادي ضرايب ثابت است و نتيجة فرمول نشان مي‌دهد كه متن، مناسب چه سطحي از دوره‌هاي دبستاني و دبيرستاني است. مهم‌ترين ايراد اين فرمول‌ها، به مواردي برمي‌گشت كه تعداد هجاها در يكصد كلمه شمارش مي‌شد. در آثار انگليسي براي هر يكصد كلمه، دامنه‌اي نسبتاً وسيع از هجاها قابل شناسايي است، اما در زبان فارسي اين دامنه بسيار كم و معمولاً در محدودة 180 تا 190 هجا است و اين دامنة كم، نقش متمايز‌كننده‌اي بين متن‌ها به لحاظ سطح خوانايي ندارد. در تحقيق اوليه مشخص شده بود كه در زبان فارسي‌كلمات سه هجايي را نمي‌توان كلمات دشوار تلقي كرد و اين مورد در شاخص سطح خوانايي «گانينگ» اعمال مي‌شد (در فرمول اوليه، كلمات سه هجايي در زبان انگليسي، كلمات دشوار تلقي مي‌شدند). در همة گزارش‌هاي مربوط به تحقيقات قبلي در اين مورد، نتايج حاصل از كاربرد اين فرمول به واقعيات آثار فارسي نزديك‌تر بود، اما سطح را مقداري بالاتر از آن كه بود مي‌نمود. پيگيري‌هايي كه انجام‌‌دادم مشخص‌كرد كه لازم است افزون بر تغيير در تعريف كلمات دشوار، ضريب ثابت فرمول نيز تغيير كند. ضريب ثابت در فرمول اصلي و تجربه با زبان فارسي 4/0 بود؛ حال دريافته‌ام كه اين ضريب نيز بايد به 2/0 تغيير يابد تا نتيجه، فرمول سطح خوانايي آثار فارسي را بنماياند.**

**توضيحات مفصل مربوط به شاخص تعيين سطح خوانايي «گانينگ» در مقاله و كتابي كه قبلاً به آن‌ها اشاره شد و مشخصات كتابشناختي آن‌ها در پانوشت‌‌هاي همين متن آمده، مفصل شرح داده شده است.**

**نتيجه اين كه بخش جديد كه در كتاب «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» (دياني) آمده، حاوي اين نكته است كه هم براي تشخيص آثار موجود و هم براي نوشتن آثار جديد براي نوسوادان مي‌توان از اين فرمول استفاده كرد. براين اساس، بخشي از كلاس درس «مواد و خدمات كتابخانه‌ براي نوسوادان» به ارائة فلسفه و شيوة استفاده از اين فرمول‌ها اختصاص مي‌يابد و دانشجويان مؤظف مي‌شوند دو متن با حجم كمتر از بيست صفحه (با ويژگي‌هايي كه دربارة ساده‌نويسي به آن‌ها آموخته مي‌شود و با معيارهايي كه از فرمول‌ها آموخته‌اند) به نگارش درآورند و سطح خوانايي آن را مشخص سازند.**

**نكتة ديگري كه در كتاب «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» (دياني) آمده، اين است كه فرمول‌ها به كميّت‌ها توجه دارند و لغاتي كه مي‌شماريم كيفيت هستند. كلمه‌اي ممكن است كوتاه، اما به لحاظ معنايي دشوار باشد. اين انديشه، فكر ساخت واژگان پايه براي نوسوادان را پيش مي‌كشيد. از اين‌رو اين بحث نيز بطور بسيار خلاصه با برداشتي نزديك به واقعيت، از مقالة «بهمن زندي»[5] ارائه شده است. يادآوري مي‌شود كه اين انديشه از تاريخچه‌اي نيز برخوردار است كه نمونة آن در سال 1355 انتشار يا تكثير كتاب «بسامدي واژه‌ها در نوشته‌هاي مخصوص عامه مردم» بود كه براساس بررسي بيش از 500 هزار واژه از 65 منبع مختلف تهيه شده بود[6]. متأسفانه رديابي اين اثر توسط نويسندة اين سطور بي‌ نتيجه ماند.**

**بدين ترتيب علاوه‌ بر چهار مبحث قبلي، دو مبحث زير به محتواي درس اضافه شد:**

**5. استفاده از فرمول‌ها و جداول كمّي براي تشخيص سطح خوانايي آثار موجود و براي توليد آثار جديد براي نوسوادان.**

**6. ويژگي‌هاي واژگان پايه و ترغيب به ساختن مجموعه‌اي از اين‌ واژه‌ها و استفاده از آن‌ها در نگارش براي نوسوادان.**

**در سال‌هاي 1379، 1380 و 1383 سه كتاب ديگر به عنوان متن درسي براي درس «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» منتشر شد. اين سه كتاب عبارت‌اند از:**

**ـ گامي در سوادآموزي: آموزش بزرگسالان و نوسوادان ‍)سعيد غفاري)،**

**ـ مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان (فرزانه فرزين ـ مليحه نيك‌كار)،**

**ـ مواد و خدمات كتابخانه‌اي براي بزرگسالان نوسواد (زهره ميرحسيني).**

**در زير، جداگانه به هر يك از اين سه كتاب مي‌پردازيم تا امكان جمع‌بندي از كل مطلب فراهم آيد.**

**در سال 1379 كتاب «گامي در سوادآموزي: آموزش بزرگسالان و نوسوادان» نوشته «سعيد غفاري» توسط نشر چاپار منتشر شد. با نگاهي به فهرست مندرجات اين كتاب كه سر فصل‌هاي آن موارد زير هستند، مشخص مي‌شود كه اين كتاب نيز صرفاً به مباحث مربوط به سوادآموزي پرداخته و تقريباً همان مباحث مطرح در كتاب «صباغيان» را به صورتي فشرده‌تر در قالب سر فصل‌هاي زير كه در فهرست مندرجات كتاب آمده، ارائه داده است. از اين‌رو، اين كتاب را نيز نمي‌توان به عنوان متن درسي مناسب درس «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» تدريس كرد و عملاً نوعي بازگشت به گذشته تلقي مي‌شود.**

**فهرست مندرجات كتاب «گامي در سوادآموزي: آموزش بزرگسالان و نوسوادان»**

**تعاريف و مفاهيم سوادآموزي**

**هدف از آموزش بزرگسالان**

**ويژگي‌هاي آموزش در بزرگسالان**

**ماهيت آموزش بزرگسالان**

**برنامه‌ريزي براي آموزش بزرگسالان**

**آموزش بزرگسالان و تفاوت‌هاي آن با خردسالان**

**برخي مسائل آموزش بزرگسالان و نحوة آموزش بزرگسالان**

**همكاري بين‌المللي در زمينة آموزش بزرگسالان**

**گذري بر روند سوادآموزي در ايران**

**ممكن است پرسيده شود با توجه به محتواي اين كتاب، چرا بايد به اين كتاب در اين نوشته توجه شود. ساده‌ترين پاسخي كه در اين باره مي‌توان عنوان كرد اين است كه ناشر اين كتاب، خود را ناشري تخصصي در حوزة كتابداري و اطلاع‌رساني مي‌داند و اين كتاب را با نيّت فراهم‌آوردن متن درسي براي درس‌ «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» منتشر كرده است. به هرحال اختصاص اين كتاب به گروه علوم تربيتي كاملاً مشخص است و درست به همين دليل، رده‌اي كه براي اين كتاب انتخاب شده و در فهرست‌نويسي پيش از انتشار كتاب آورده شده، رده L است؛ در حالي كه ردة كتاب «كتابخانه‌ها و سوادآموزي» در فهرست‌نويسي پيش از انتشار، Z تعيين شده است.**

**در سال 1380 كتاب «مواد و خدمات كتابخانه براي بزرگسالان نوسواد» نوشته «فرزانه فرزين» و «مليحه نيك‌كار» توسط دانشگاه پيام‌ نور به عنوان متن درسي منتشر شد. فصل اول اين كتاب به تعاريف و مفاهيم مربوط به آموزش بزرگسالان، آموزش رسمي و غيررسمي، آموزش مداوم و سوادآموزي پرداخته است. در فصل دوم ديدگاه تاريخ سوادآموزي بزرگسالان را در جهان و در ايران قبل از انقلاب اسلامي بررسي مي‌كند. شناخت جامعة نوسواد مطالب فصل سوم اين كتاب است. فصل چهارم مشتمل بر اهداف، ويژگي‌ها و روش‌هاي آموزش بزرگسالان است. فصل پنجم به خواندني‌هاي نوسوادان و مراكز توليد و نشر آن پرداخته است. تناسب و گيرايي موضوع و سطح خوانايي نوشته‌ها از جمله مطالب اين فصل است. در فصل ششم شيوه‌هاي سادة توليد مواد خواندني براي نوسوادان بيان شده و در بخش پاياني به شيوه‌هاي جذب نوسوادان به كتابخانه و نقش كتابخانه‌هاي مختلف در سوادآموزي پرداخته شده است. بنا به موارد بالا فصل‌هاي اول، دوم و چهارم اين كتاب در چهارچوب همان بحث‌هاي كتاب «صباغيان» و «غفاري» باقي مانده و از اين‌رو توجيهي قابل قبول براي طرح در كلاس‌هاي مورد نظر نيست. در فصل سوم كه به شناساندن جامعة نوسواد پرداخته، آن قسمت كه به كميّت توجه كرده فقط مربوط به آمار بيسوادان و باسوادان است. چون اين مورد، بزرگسالان نوسواد و مبحث بازگشت به بيسوادي را پوشش نمي‌دهد، به لحاظ كمّي نمي‌تواند توجيهي قابل قبول براي درس «خدمات كتابخانه براي نوسوادان» فراهم آورد، زيرا امر باسواد كردن بر عهدة نهضت سوادآموزي و نه كتابخانه‌هاي عمومي ايران مي‌باشد و بنابراين در مقايسه با كتاب «مواد و خدمات كتابخانه‌ براي نوسوادان» (دياني)، يك قدم به عقب گذاشته شده است. دو فصل پنجم و ششم (با سبك و شيوه‌اي متفاوت كه به سبك كتاب درسي نزديك‌تر است)، با كتاب «مواد و خدمات كتابخانه‌ براي نوسوادان» (دياني) مقدار زيادي اشتراك محتوايي دارد، بويژه كه به فرمول‌هاي تعيين سطح خوانايي نيز پرداخته شده است. بخش ششم با طرح شيوه‌هاي جذب نوسوادان به كتابخانه، مبحثي به مباحث قبلاً مطرح شده در كتب ديگر و به مطالب درسي «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» مي‌افزايد. بر اين اساس اين كتاب بخش ديگري به مباحث اين درس مي‌افزايد كه عبارت است از:**

**7. شيوه‌هاي جذب نوسوادان به كتابخانه**

**در سال 1383 كتاب «مواد و خدمات كتابخانه‌اي براي بزرگسالان نوسواد» نوشته «زهره ميرحسيني» توسط سازمان «سمت» به عنوان متن درسي منتشر شد. در فصل اول اين كتاب اهداف، ضرورت و ويژگي آموزش بزرگسالان و سپس اهداف سوادآموزي و تعاريف سواد، ودر فصل دوم روش‌هاي سوادآموزي رايج در سطح بين‌المللي، يعني سوادآموزي تابعي و روش آگاه‌سازي معرفي شده است. در فصل سوم ويژگي‌هاي جسمي‌ـ رواني بزرگسالان و در فصل چهارم تحولات آموزش بزرگسالان و تاريخچة آن در سطح جهان و ايران بيان گرديده. در فصل پنجم، به مبحث بزرگسالان و مطالعه و ضرورت آن براساس نيازسنجي و مفهوم نياز براي اين گروه پرداخته شده. در فصل ششم ساده‌نويسي و اصول آن بازگو گرديده. در فصل هفتم به رسالت كتابخانه‌ها در آموزش بزرگسالان پرداخته شده است و در فصل هشتم، فعاليت‌ها و وراه‌هايي كه از طريق آن‌ها مي‌توان خوانندة نوسواد و كم‌سواد را به مطالعه تشويق كرد ارائه شده است.**

**براين اساس بخش‌هاي اول تا چهارم اين كتاب نيز بيشتر بر سوادآموزي تأكيد دارد و همان مطالب مندرج در كتاب «صباغيان»، «غفاري»، «فرزين» و بخش‌هايي اندك از كتاب «مواد و خدمات كتابخانه براي نوسوادان» (دياني) را (كه اين خود متأثر از كتاب «صباغيان» است)، با سبكي متفاوت پوشش مي‌دهد. فصل هفتم كه به كتابخانه‌ و آموزش بزرگسالان پرداخته و نيز فصل هشتم كه راه‌هاي تشويق نوسوادان به مطالعه را مطرح كرده، نگاهي مشابه با نگاه مطرح در كتاب «كتابخانه و سوادآموزي» (ترجمه «رحمت الله فتاحي») دارد. مطالب بخش ساده‌نويسي كه در آثار قبلي (مثلاً مقالة «هماتاج بازيار»)، با گسترش بيشتري مطرح شده، در سطح توصيفي باقي‌مانده و به تحقيقاتي كه در اين باره در مورد آثار فارسي با تأكيد بر كميّت منتشر گرديده، توجهي نشده است. اين كتاب نيز بحثي به مباحث درس افزوده كه عبارت است از:**

**8 . راه‌هاي تشويق‌ نوسوادان به مطالعه**

**نتيجه اين كه، محتواي درس «مواد و خدمات كتابخانه» صرف‌نظر از هر كتابي كه تدريس شود، هنوز از كتاب «صباغيان» تأثير مي‌پذيرد، اما به مرور از اين تأثير‌پذيري كاسته مي‌شود و محتواهايي به درس اضافه مي‌شوند كه با فلسفة درس، سازگاري بيشتري دارند. چنين به نظر مي‌رسد كه مدرسان اين درس دربارة بحث‌هاي مورد تدريس در اين درس، بدين‌ شرح به توافق نزديك مي‌شوند:**

**1. زمينة نظري كه در قالب مكاتب سوادآموزي به آن پرداخته مي‌شود؛**

**2. وجود مخاطبان كافي و نياز دانسته يا ندانستة آن‌ها به منابع مناسب كه با ارائة آمارهاي بيسوادان، نوسوادان و بازگشت به بيسوادي، باورپذير مي‌شود؛**

**3. خدمات كتابخانه در پيوند با نوسوادان كه با گزينش مطالب مندرج در كتاب «كتابخانه‌ها و سوادآموزي» (ترجمة «فتاحي») به دست مي‌آيد؛**

**4. ويژگي‌هاي منابع مناسب نوسوادان كه از نكات مندرج در مقالة «تهية مواد خواندني براي بزرگسالان كم‌سواد» (هماتاج بازيار) استخراج مي‌گردد؛**

**5. معيارهاي تشخيص و توليد آثار مناسب براي نوسوادان با استفاده از فرمول‌هاي كمّي كه «دياني» بحث آن‌ را مطرح كرد وتعدادي تحقيق دربارة آن انجام گرفته است؛**

**6. روي‌آوري به ساخت واژگان پايه براي نوسوادان و استفاده از اين واژگان در توليد آثار نوسوادان، كه بحث آن در ادبيات مربوطه با «بهمن‌آبادي» شروع شد؛**

**7. شيوه‌هاي جذب نوسوادان به كتابخانه كه «نيك‌كار» به عنوان فصلي مجزا در كتاب خود مطرح كرد؛**

**8 . راه‌هاي تشويق نوسوادان به مطالعه كه «زهره ميرحسيني» فصلي از كتاب خود را به آن اختصاص داد.**

**ويژگي‌ كتاب‌هايي كه براي اين درس تدريس مي‌شود اين است كه برخي از موارد هفت‌گانة بالا در كتابي نيستند، برخي با گسترة بيشتر و برخي با گسترة كمتر در كتابي هستند و برخي مواردي را در بر دارند كه ديگر كتاب‌ها به آن‌ها نپرداخته‌اند. چنين ويژگي‌هايي از دو جهت نامطلوب‌اند:**

**1. دانش هر موضوع پيكرة واحدي دارد كه همة دانشجويان آن موضوع، براي متخصص‌شدن (آگاهي از دانش تاريخي و دانش موقعيتي)، بايد با كل آن پيكره آشنايي يابند. تكيه بر آموزش كتابي واحد از كتاب‌هاي مورد بررسي، پيكرة كاملي را در منظر ديد دانشجويان قرار نمي‌دهد.**

**2. همة دانشجويان دورة كارشناسي براي ادامة تحصيل در مقطع بالاتر مجبورند آزمون واحدي را بگذرانند؛ در حالي كه دانشجويان پيام نور كتاب خاص خود، دانشجويان دانشگاه‌هاي وابسته به وزارت علوم، تحقيقات و فناوري كتاب خاص خود، و دانشجويان مدرساني كه مؤلف كتاب‌هاي ديگر هستند، كتاب ديگري را به عنوان كتاب درسي مي‌خوانند. با توجه به آزمون واحدي كه براي كارشناسي ارشد انجام مي‌شود، ناآگاهي هر گروه از دانشجويان از مطالب جزئي كه در كتاب درسي آن‌ها نبوده باعث مي‌شود كه متضرر گردند.**

**اين نامطلوبيت را مي‌توان با پذيرش اين سنّت دانشگاهي كه در دانشگاه، كتابخانه جايگزين كتاب درسي مي‌شود، به مطلوبيت تبديل كرد. به بياني ديگر، اين درس نمونة بسيار خوبي از درسي است كه بدون اين كه فشار زيادي به دانشجويان وارد كند مي‌تواند متكي به يك كتاب درسي نباشد (شيوه‌اي كه معمولاً بايد در دانشگاه‌ها رايج باشد): استاد هر درس، مطالب مشترك را بيان مي‌كند و از دانشجويان مي‌خواهد كه مطالب متفاوت را خود آن‌ها از كتاب‌هاي شش‌گانه‌اي كه در اختيار دارند استخراج، و به كلاس ارائه كنند.**

**نكتة آخر اين كه يكي از سودمندي‌هاي كتاب «زهره ميرحسيني» ارائة فهرستي از كتاب‌ها و طرح‌هايي است كه نهضت سوادآموزي در پيوند با نوسوادان منتشر كرده است. هرگاه اين فهرست كتاب‌ها با آثار ديگري كه در همين زمينه وجود دارند ادغام شود، به فهرستي جامعتر براي مجموعه‌سازي دست مي‌يابيم. بديهي است كه ممكن است تهية نسخه‌هاي ديگر از اين كتاب‌ها ميسر نباشد، اما مي‌توان از آن‌ها كپي تهيه‌ كرد، يا آن‌ها را به صورت الكترونيكي توليد كرد. بخشي از اين آثار عبارت است از:**

**1. مجموعه «نوسواد» از «بنياد پژوهش‌هاي اسلامي آستان قدس رضوي». نشريه‌اي بود متشكل از داستان‌ها يا مطالب كوتاه كه براي نوسوادان نوشته و منتشر مي‌شد.**

**2. كتاب‌هاي «كميتة ملي پيكار با بيسوادي» كه با عناوين «بخوانيم و باسواد شويم»، «بخوانيم و بهتر زندگي كنيم»، «بخوانيم و بهتر صحبت كنيم»، «بخوانيم و بنويسيم»، و… در سال‌هاي 1345 تا 1355 منتشر شدند[7].**

**3. كتاب‌هايي كه با عنوان «طرح آزمايشي تعليم سواد حرفه‌اي به بزرگسالان دزفول» منتشر شدند[8]. آثار قابل توجهي براساس معيارهاي كيفي و كمّي توسط دانشجويان و به عنوان تكليف درسي توليد مي‌گردند؛ تعدادي از اين آثار همه‌ساله به دانشجويان جديد معرفي مي‌شوند و دانشجويان با الگوبرداري از آن‌ها، خود به توليد آثار جديد مي‌پردازند. اين تمرين با اين نيت انجام مي‌شود كه دانشجويان ضمن اجبار به دقت بيشتر بر روي معيارهاي موضوعي، نگارشي و شكل ظاهري، خود نيز در صورت دارا بودن ذوقيات لازم، به توليد كتاب براي نوسوادان بپردازند.**

**--------------------------------------------------------------------------------**

**1. دكتر محمد حسين دياني؛ استاد گروه كتابداري و اطلاع‌رساني دانشگاه فردوسي مشهد و سردبير فصلنامه كتابداري و اطلاع‌رساني**

**1. Readability**

**2. فصلنامه علمي و پژوهشي دانشكده علوم تربيتي(دانشگاه تهران). سال دهم، شماره 4-3، 1366.**

**3. محمد حسين دياني. سنجش خوانايي نوشته‌هاي فارسي. مشهد انتشارات كتابخانه رايانه‌اي، 1379.**

**[5]. بهمن زندي. نگاهي ديگر به نگارش مواد خواندني و ساده نويسي براي بزرگسالان كم‌سواد.**

**[6]. كميتة پيكار جهاني با بيسوادي. سوادآموزي بزرگسالان. تهران: 1355، ص139-130**

**[7]. عناويني از اين كتاب‌ها كه در اختيار دارم عبارت‌اند از: دست در دست هم (دفتر سوم: وزارت آموزش و پرورش، طرح بين‌المللي مبارزه با بيسوادي. دفتر چهارم، طرح مبارزه با بيسوادي كميته تهران. نويسنده علي اصغر خبره‌زاده؛ نقاش جواد پورمير؛ خطاط نادر نادري)؛ دوران سربازي. (كميته ملي پيكار جهاني با بيسوادي. تهيه‌ كننده: مسعود**

**شلويري، راهنماي تعليماتي كميته پيكار با بيسوادي قزوين؛ نقاشي لئوني تاشچيان)؛ جنوب ايران (كميته ملي پيكار جهاني با بيسوادي، شماره 26: 1350، 5 هزار نسخه)؛ ازدواج و زندگي. (1351 پيايند شماره 30 بخوانيم و بهتر زندگي كنيم، كميته ملي پيكار با بيسوادي)؛ تعاون براي نوسوادان (نشريه شماره 14 سازمان مركزي تعاون كشور،مرغداري3؛ خوراك مرغ. (خواندنيهاي آسان شماره17)؛ حضرت عيسي. (بخوانيم و بهتر زندگي كنيم، شماره18، كميته ملي پيكار جهاني با بيسوادي، 1349: 50 هزار نسخه).**

**[8]. تعدادي از اين عناوين كه در اختيار دارم عبارت‌اند از: آب، تميزي؛ غذاي كامل، بدن سالم (جزوه دوم بانوان)؛ همكاري، كتاب آسان3(براي كشاورزان)؛ كتاب آسان1و كتاب آسان2 (براي كشاورزان)؛ كيميا، زن‌خانه‌دار (خواندني‌هاي آسان براي بانوان،2)؛ سواد و كشاورزي ( كتاب اختصاصي روستاي كرملك)؛ رنج و گنج(خواندني‌هاي آسان شماره5)؛ مرغداري (خواندني‌هاي آسان شماره4)؛ تراخم (خواندني‌هاي آسان شماره12).**